



تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب منا با تأکید بر افغانستان

شیر احمد ایوبی^۱

۱- (<https://orcid.org/0009-0007-8114-7109>) دانشجوی دکتری اقتصاد بخش عمومی دانشگاه اصفهان. ایمیل: ShabirAhmadAyubi2020@gmail.com

چکیده

این تحقیق به بررسی تأثیر متغیرهای نهادی (شاخص‌های حکمرانی خوب) و متغیرهای کنترلی (تشکیل سرمایه، ثبت و اختراع، سرمایه انسانی، بازبودن تجارت و FDI در منتخبی از کشورهای منطقه منا دارای کیفیت نهادی قوی و کیفیت نهادی ضعیف در بازه زمانی ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۹ با استفاده از روش (GMM) بر رشد اقتصادی می‌پردازد. نتایج حاکی از آن است که متغیرهای کنترلی و کیفیت نهادی تأثیر مثبت و معنی‌داری بر GDP داشته است. این تحقیق نشان می‌دهد که تأثیر شاخص‌های کیفیت نهادی بر GDP در کشورهای دارای کیفیت نهادی ضعیف بیشتر است نسبت به کشورهای دارای کیفیت نهادی قوی. همچنان یافته‌ها نشان می‌دهد که تعامل کیفیت نهادی با سرمایه‌گذاری خارجی اثر مثبت و معنی‌دار و تعامل کیفیت نهادی با ترکیبی سرمایه‌گذاری خارجی و بازبودن تجارت اثر منفی و معنی‌داری بر GDP در کشورهای با کیفیت نهادی ضعیف دارد. اما در کشورهای با کیفیت نهادی قوی تعامل کیفیت نهادی با FDI اثر منفی و معنی‌دار بر GDP داشته و تعامل کیفیت نهادی با FDI و بازبودن تجارت اثر معنی‌داری بر GDP نداشته است.

کلمات کلیدی: اقتصاد نهادگرا، شاخص‌های حکمرانی خوب، رشد اقتصادی، افغانستان، روش GMM

The impact of good governance indicators on economic growth in selected MENA countries with emphasis on Afghanistan

Shabir Ahmad Ayubi¹

1- (<https://orcid.org/0009-0007-8114-7109>) PhD candidate, Public Sector Economics, University of Isfahan. ShabirAhmadAyubi2020@gmail.com

Abstract

This study examines the impact of institutional variables (good governance indicators) and control variables (capital formation, patents, human capital, trade openness, and FDI) on economic growth in a selection of MENA countries with strong institutional quality and weak institutional quality during the period 2005 to 2019 using the (GMM) method. The results indicate that the control variables and institutional quality have a positive and significant effect on GDP. This research shows that the effect of institutional quality indicators on GDP is greater in countries with weak institutional quality than in countries with strong institutional quality. Also, the findings show that the interaction of institutional quality with foreign investment has a positive and significant effect, and the interaction of institutional quality with the combination of foreign investment and trade openness has a negative and significant effect on GDP in countries with weak institutional quality. But in countries with strong institutional quality, the interaction of institutional quality with FDI had a negative and significant effect on GDP, and the interaction of institutional quality with FDI and trade openness did not have a significant effect on GDP.

Keywords: Institutional Economy, Good Governance Indicators, Economic growth, Afghanistan, GMM method

اقتصادی را تسریع می‌بخشد، وجه تمایز عملکرد رشد اقتصادی کشورهای مختلف از کجا ناشی می‌شود؟ الگوهای رشد تا اواخر دهه نود تنها عوامل اقتصادی رشد از جمله شرایط جغرافیایی، جمعیت، بهره‌وری، سرمایه انسانی و سرمایه فیزیکی را به بررسی می‌گرفتند. اما این الگوها قادر نبودند دلیل تفاوت درآمد سرانه کشورها را بطور کامل توضیح دهند. و این خود منجر به پدید آمدن نظریات جدید در ادبیات رشد گردید که در نتیجه پدایش این نظریات رشد اقتصادی را محدود به عوامل اقتصادی نمی‌دانست؛ از جمله این نظریات می‌توان به نظریات اقتصادنهادگرایی جدید اشاره نمود. از دهه نود

۱- مقدمه

در تقسیم بندی جوامع و کشورها به گروه‌های متمایز یعنی توسعه یافته و در حال توسعه، مبتنی بر عملکرد و نرخ رشد اقتصادی بلند مدت آنها است. از این جهت دست‌یابی به نرخ رشد اقتصادی بالاتر، هدف اولیه کلیه نظام‌های اجتماعی و نقطه مطلوب تمامی تلاش‌هایی است که برای نظم امور اقتصادی جوامع مورد توجه قرار می‌گیرد. سال‌های مدیدی است که اقتصاددانان در پی کشف عواملی برآمده‌اند که بر سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی اثر گذارند؛ اینکه چه عواملی سرمایه‌گذاری را تحریک و رشد

در این تئوری‌ها از انباشت سرمایه فیزیکی و انسانی، رشد و ارتقای بهره‌وری و سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه به عنوان عوامل اصلی تعیین کننده رشد اقتصادی و دلیل تفاوت فراوان کشورها در رفاه اقتصادی نام برده می‌شود. اما این تئوری‌ها در تبیین دلایل تفاوت فاحش کشورها در رشد اقتصادی ناتوان بودند، زیرا هر چند بر اساس مطالعات نظری و تجربی رشد کشور های فقیر توان بالقوه فراوانی برای رسیدن و همگرایی با کشورهای توسعه یافته دارند؛ اما این کشور ها در ایجاد نتایج مثبت رشد به دلیل فقدان ناکارآمدی و ناکافی بودن نهادهای حمایت کننده رشد ناتوان بوده اند(رودریک^۵، ۲۰۰۷).

همچنین با تاسیس نهادهای بین المللی پولی و مالی همانند بانک جهانی و صندوق بین المللی پول بعد از جنگ جهانی دوم، این نهادها نیز برای حل مشکلات توسعه نیافتگی کشور های فقیر، استراتژی های مختلفی همانند رویکرد های توسعه اقتصادی جانشین واردات(۱۹۶۰) و تعدیلات ساختاری (۱۹۸۰) را ارائه دادند. این رویکردها نیز نه تنها در رفع مشکل رشد و توسعه کشورهای فقیر ناتوان بودند، بلکه مسائل و مشکلات فراوانی دیگری را به بار آوردند که از جمله می توان به گسترش فقر و نابرابری و عدم پیشرفت اقتصادی به ویژه در کشور های آفریقایی اشاره کرد به طوری که در دوره ۲۰۰۲ - ۱۹۸۰ میلادی درآمد سرانه منطقه صحرای افریقا زیر ۴۱ درصد کاهش یافت(بانک جهانی، ۲۰۰۴).

پس از تئوری های رشد اقتصادی در تبیین رشد اقتصادی پایین و ناپایدار کشورهای فقیر و نیز گسترش نابرابری در سطح جهانی موج چهارم از تئوری های رشد در اقتصاد شکل گرفت که به مدل های نهادی و اقتصاد سیاسی از رشد معروف گشت؛ به عقیده اقتصاددانان نهادگرا(نورث^۶، ۱۹۹۰) تفاوت کشورها در سرمایه انسانی، سرمایه فیزیکی و تکنولوژی (که در مدل های رشد به آن تاکید می شود) عوامل مستقیم و سطحی تعیین کننده رشد و توسعه اقتصادی می باشند و نهادهای عامل عمیق یا بنیادین تعیین کننده رشد و توسعه جوامع هستند.

بر اساس تعریف نورث(۱۹۹۰)، نهادها قواعد بازی در جامعه هستند از دیدگاه وی، نهادها محدودیت های طراحی شده توسط انسانها هستند که تعاملات بشری را شکل می دهند به زبان فنی اقتصادی، نهادها مجموعه انتخاب های افراد را معین کرده و آن را محدود می کنند. بر اساس دیدگاه اقتصاددانان نهادگرا، نهادها از آن حیث مهم اند که سبب ساختارمند شدن انگیزه های نهفته در مبادلات بشری می شوند. مهم ترین کارکرد نهادها کاهش عدم اطمینان و هزینه های مبادله در فعالیت های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جوامع است (کوز، ۱۹۶۰، ۱۹۳۷). نهاد یک سازمان اجتماعی است، سازمانی که خارق العاده است و از اول بوده و از بین رفتنی نیست و مانند (استونر و همکاران، ۱۳۷۹). نهادها با حمایت از حقوق مالکیت، تضمین اجرای قرار دادها، ارتقا انگیزه های کارآفرینان، حفظ ثبات در سطح کلان اقتصادی، مدیریت ریسک پذیری و خطرجویی و اسطه های مالی، کاهش نااطمینانی و تقلیل هزینه معاملات، ارائه شبکه های تامین اجتماعی و ارتقای پاسخ گوی و انتقاد پذیری حاکمان، مجموعه ای از شرایط و بسترهای سیاسی، فرهنگی، اقتصادی را فراهم می کنند که در درون آن، افراد جامعه به کسب و انباشت مهارت و بنگاه های اقتصادی به انباشت سرمایه و تولید محصول می پردازند. به اساس دیدگاه نهادگرایی جدید، نوع حکمرانی، مقررات و نهادهای

عامل نهادی وارد الگوهای رشد اقتصادی شد و عوامل همچون نظام سیاسی، حکمرانی حاکمان، اجرای سیاست های عمومی، فرهنگ، مذهب و... را از عوامل تأثیر گذار بر عملکرد اقتصادی کشورها معرفی نمودند. چون نهادها را خالق محیط اقتصادی در کشورها دانسته و عوامل اصلی عقب ماندگی کشورهای عقب مانده را کمبود سرمایه نه بلکه عدم وجود بستر کیفیت نهادی مناسب در خدمت فعالیت های اقتصادی مولد می دانستند. و بر عقیده اقتصاددانان نهادی، نهادها از این جهت مهم تلقی می شوند که سبب ساختارمند شدن رازهای نهفته در مبادلات بشری شده و کارکرد آنها عدم اطمینان و هزینه های مبادلاتی در فعالیت های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کاهش می دهد. نهادها با حمایت از حقوق مالکیت، تضمین اجرای قراردادهای ایجاد انگیزه برای کارآفرینان، حفظ ثبات در سطوح اقتصادی، مدیریت ریسک پذیری... که مجموعه ای از شرایط و بسترهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را فراهم نموده که در درون آن افراد جوامع به کسب و انباشت مهارت ها و بنگاهها به انباشت سرمایه و تولید محصول می پردازند. با توجه به نقش نهادها در رشد و توسعه اقتصادی کشورها هدف این پژوهش بررسی رابطه بین کیفیت نهادهای حاکمیتی و رشد اقتصادی درمنتخبی از کشورهای منطقه منا^۱ با تأکید بر افغانستان می باشد.

۲- ادبیات موضوع تحقیق

تفاوت فاحش کشورها در درآمد سرانه و رفاه اقتصادی و مسیرهای متفاوت آن ها در رشد و توسعه اقتصادی از جمله موضوعات مهمی است که پاسخ به آن همواره از دغدغه های متفکران و محققان اقتصادی بوده است. با شکست سیاست های توسعه ای ارائه شده توسط نهاد های بین المللی و نیز ناتوانی تئوری های اقتصادی مطرح شده در تبیین تفاوت های موجود در بین کشور های جهان، تئوری رشد نهادی و سیاسی (رویکرد اقتصاد نهادی جدید) از جمله نگرش های است که به دنبال توضیح دهندگی این تفاوت ها، بر اساس کیفیت نهادی کشور ها می باشند (رودریک، ۲۰۰۷). طیفی از اقتصاددانان در مورد نهادها و چگونگی ارتباط اقتصاد نهادگرا با اقتصاد نئو کلاسیک با یکدیگر اختلاف دارند. نهادگرایان قرن بیستم را می توان در دو دسته، نهادگرایان قدیم و جدید تقسیم بندی نمود؛ نهادگرایان قدیم اقتصاد نهادگرا را عمدتاً جانشین اقتصاد نئوکلاسیک می دانستند، در حالیکه نظریه پردازان اقتصاد نهادگرایی جدید با پذیرش چارچوب اقتصاد نئوکلاسیک تلاش دارند با استفاده از ابزار های رایج نئوکلاسیک در تحلیل نهایی؛ اقتصاد نهادی را مکمل نه جانشین نئوکلاسیک بدانند(جوارتنی، ۲۰۰۱). از نیمه دوم قرن بیستم تئوری های مختلفی در ادبیات رشد اقتصاد برای تبیین این تفاوت ها و تحلیل معمای رشد و عوامل موثر بر آن شکل گرفتند که این تئوری ها را می توان به سه گروه دسته بندی کرد:

- ۱- مدل رشد نئوکینزین هارود - دومار^۲ (هارود ۱۹۳۹؛ دومار ۱۹۴۶)
- ۲- مدل رشد نئوکلاسیکی سولو - سوان^۳ (سولو، ۱۹۵۶؛ سوان، ۱۹۵۶)
- ۳- مدل های رشد درون زای رومر - لوکاس^۴ (رومر، ۱۹۸۶؛ لوکاس، ۱۹۸۸)

¹ Afghanistan, Algeria, Armenia, Azerbaijan, Bahrain, Cyprus, Egypt, Georgia, Iran, Iraq, Jordan, Kuwait, Lebanon, Libya, Malta, Mauritania, Morocco, Oman, Pakistan, Qatar, Saudi Arabia, Sudan, Tunisia, Turkey & United Arab Emirates.

² Harrod - Domar

³ Solo - Swan.

⁴ Romer - Locuse

⁵ Roderek

⁶ North

ایجاد اعتماد، مبادلات را تسهیل می کنند. (۲) نهادهایی که بر دولت و دیگر بازیگران قدرتمند تاثیر می گذارند و از حقوق مالکیت و افراد در مقابل آن ها حفاظت می کنند و خطر مصادره اموال و نقض قوانین را کاهش می دهند (شرلی^۳، ۲۰۰۸). نهادهای با ایجاد یک ساختار اثبات (نه لزوماً کارا) برای کنش متقابل انسان ها، عدم ناطمینانی را در بازار کاهش و موجب افزایش رقابت در بازار می شوند. فقدان نهادهای مناسب و کاهش رقابت در بازار، منجر به افزایش هزینه های مبادلاتی و افزایش سود دهی تولید و بهبود عملکرد اقتصادی برای رسیدن به رشد اقتصادی مناسب، پر رنگ تر می کند (کیس^۴، ۱۹۶۵).

۲-۱. شاخص های حکمرانی خوب / کیفیت نهادی

بر اساس دیدگاه نهادگرایی جدید نوع حکمرانی، مقررات و نهادهای یک کشور از جمله عوامل اولیه و اصلی تعیین کننده انگیزه ها و تمایلات افراد برای سرمایه گذاری فیزیکی و کسب مهارت و فناوری در آن جامعه هستند که همه این عوامل به موفقیت اقتصادی در تولید بیشتر، درآمد بالاتر و رفاه اقتصادی بهتر در بلندمدت منجر می شوند (اسدزاده و جلیلی، ۱۳۹۳). عجم اوغلو و همکاران (۲۰۰۲) معتقد اند که تفاوت های عمیق کشورها در حل بحران ها و عملکردهای رشد اقتصادی منشأ نهادی داشته و ضعف عملکرد اقتصاد کلان و انحراف در سیاست های کلان اقتصادی نشانه های از ضعف نهادی است. بانک جهانی حکمرانی خوب را بر طبق شش شاخص؛ کنترل فساد، اثربخشی دولت، ثبات سیاسی، کیفیت تنظیم گری مقررات، حاکمیت قانون و شفافیت و پاسخگویی تعریف می کند (برهانی پور و همکاران، ۱۳۹۹). این شاخص ها شش بعد یک حکمرانی را از سال ۱۹۹۶ در بیش از ۲۰۰ کشور و قلمرو مورد ارزیابی قرار می دهد. شاخص های کل مبتنی بر چند صد متغیر بوده که از ۳۱ منبع مختلف آماری به دست آمده اند، و تصورات حکمرانی پاسخ دهندگان نظرسنجی، سازمان های غیردولتی، ارائه دهندگان اطلاعات و نهادهای بخش عمومی را از تمام جهان جمع آوری و گزارش می کنند (یارمحمدی، جواد عرب و خوش مردان، علی اسماعیلی، ۱۳۹۹:۹).

شاخص های حکمرانی خوب حاصل زحمات سه تن از پژوهشگران بانک جهانی هر یک دانیل کافمن، کرای و لوباتون^۵ می باشد، که یافته های موسسات جهانی از جمله EIU^۶، ICRG^۷، بنیاد هریتیج^۸ و خانه آزادی^۹ در رابطه وضعیت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشورها را با یکدیگر مدغم نموده و شاخص های کلی و جدیدی را تحت عنوان شاخص های حکمرانی جهانی معرفی کردند (اسفندیاری و غلامی، ۱۳۹۷). شاخص های حکمرانی جهانی اطلاعات مربوط به ادراک از حکمرانی را از طیف گسترده ای از منابع جمع آوری و آن ها را در شش ابعاد گسترده ای از حکمرانی سازماندهی شده اند. برای بدست آوردن آمار مربوط به هر یکی از این خوشه ها از یک روش آماری شناخته شده به نام مدل ترکیبی ذهنی^{۱۰} مورد استفاده قرار گرفته است.

۲-۲. شاخص های حکمرانی خوب در افغانستان

مفهوم حکمرانی خوب در افغانستان پدیده جدید است، و این کشور فاقد پیشینه عملی حسن انجام حکمرانی در تاریخ معاصر خود می باشد برای

با کیفیت در یک کشور از جمله عوامل اولیه و اصلی تعیین کننده انگیزه ها و تمایلات افراد برای سرمایه گذاری فیزیکی و کسب مهارت و فناوری در آن جامعه هستند، که همه این عوامل منجر به موفقیت اقتصادی در تولید بیشتر و درآمد بالاتر و رفاه اقتصادی بهتر در بلند مدت می شوند (نورث، ۱۹۹۰).

هم چنین، چارچوب نهادی به دلیل این که از مقدار صرف شده روی هزینه معاملات و هزینه های انتقال در فرایند تولید جدایی پذیر نیست، بر روی رشد اقتصادی اثر می گذارد. فرایند اثرگذاری کیفیت نهادی و سازمانی بر رشد از طریق هزینه ها به این صورت قابل توضیح است که هزینه معاملات، وقتی که حقوق مالکیت و یا حاکمیت قانون قابل اعتماد نیستند بسیار بالاست. در چنین وضعیتی بنگاه های خصوصی به طور معمول در مقیاس های کوچک، فناوری های که سرمایه بر و افق های کوتاه مدت عمل می کنند و شاید در زمینه اقتصاد زیرزمینی هم فعالیت کنند و بر رشوه و فساد نیز به منظور تسهیل عملیات تکیه کنند. در این صورت هزینه های انتقال بیش از حد افزایش می یابد و این افزایش می تواند به دلیل قراردادهای غیر قابل اجرا، استفاده از فناوری های ارزان، کارایی که عملیات و افق های کوتاه مدت که رقابتی تعریف شدند روی دهد (بوتکیو^۱، ۲۰۰۶). از سوی دیگر، زمانی که نهادها ضعیف تعریف می شوند و یا نهادهای رسمی کمی وجود دارد، فعالیت های اقتصادی به مبادلات میان افراد محدود می شود. در این حالت، تکرار فعالیت ها و همگنی فرهنگی، خود اقدامی (اجرای فعالیت مزبور از طرف درگیر در فعالیت اقتصادی) را تسهیل می کند. در چنین محیطی ممکن است هزینه معاملات پایین باشد، اما هزینه های انتقال به دلیل این که فعالیت های اقتصادی از نظر تخصصی در سطح خیلی پایینی هستند بالا باشد. در این محیط نهادی ضعیف، بنگاه ها و عوامل اقتصادی نمی توانند در مبادلات پیچیده، بلندمدت و قراردادهای چندگانه با اجرای مؤثر، وارد شوند، و نظیر چیزی را که در اقتصاد های صنعتی اجرا می شود، به مرحله ظهور برسانند. قاعدتاً رشد اقتصادی ملاحظه شده در این اقتصادها نیز بسیار کمتر خواهد بود (آرون^۲، ۲۰۰۰).

به وجود آمدن دستگاه های اجرایی عریض و طویل در بسیاری از کشورها، آنان را به فساد انعطاف ناپذیری گرفتار کرد و بار مالی سنگینی بر بنیه مالی کشورها، به ویژه کشورهای در حال توسعه وارد آورد. به طوری که حتی صحت دیدگاه های کینزی را زیر سوال بردند؛ فروپاشی اجماع نظر در نظریه های اقتصادی در دهه ۱۹۷۰، زمینه مناسبی را برای بروز مکتب نهادگرایان جدید فراهم آورد (نورث، ۱۹۹۰). چنانکه در اواخر قرن بیستم بود که اقتصاد سیاسی رشد، دچار تحول عظیمی شد و توجه برخی از اقتصاددانان را به سوی خود جلب کرد و از مهم ترین دلیل توجه آنها به نهادها و نظریه های نهادگرایی این بود که این نظریه ها می توانند تا حد زیادی دلایل توسعه نیافتگی کشورهای عقب مانده و شکاف مابین این کشورها و کشورهای توسعه یافته را تبیین کنند. از آن زمان به بعد اقتصاددانان عوامل سیاسی را به طور کلی از عوامل اقتصادی جدا نموده و در تحلیل های رشد که بیشتر عوامل سیاسی را برونزا فرض می کردند، آن را درونزا و تأثیرگذار بر رشد اقتصادی در نظر گرفتند. که این امر منجر به اوج گیری ادبیات جدید رشد در زمینه عوامل نهادی مؤثر بر رشد اقتصادی، در دهه ۱۹۹۰ شد. بر این اساس برای برخورد با چالش های درآمد سرانه و توسعه کشورها نیازمند چارچوب های نهادی با کیفیت هستند که از اقتصاد بازاری حمایت نمایند که لازمه این امر وجود دو نوع از نهادهاست: (۱) نهادهایی که با کاهش هزینه های معاملات و

³ Sharly

⁴ Cause

⁵ Kufmann, Kraay & Lobaton

³ Economist Intelligence Unit

⁴ International Country Risk Group

⁵ Heritage Foundation

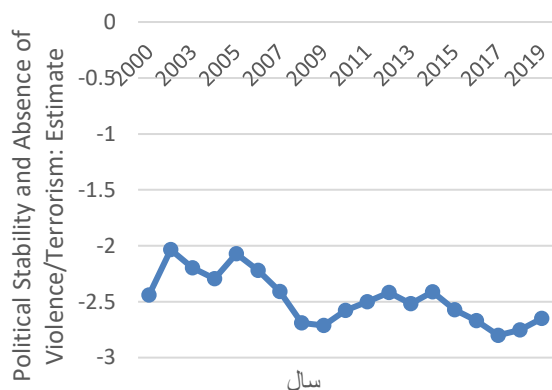
⁶ Freedom House

⁷ Unobserved Component Model

¹ Butkeu

² Aron

ثبات سیاسی و عدم خشونت در افغانستان

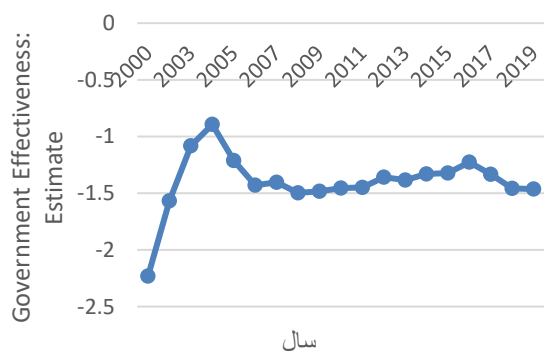


شکل (۲): روند شاخص ثبات سیاسی و نبود خشونت افغانستان در دوره زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۹

شاخص کارایی و اثر بخشی دولت در افغانستان

شکل (۳) روند تقریباً نورمال شاخص کارایی و اثر بخشی را از بعد سال ۲۰۰۴ برای افغانستان نشان می‌دهد. هر قدر این شاخص رتبه بالاتری داشته باشد، نشان دهنده اثربخشی بیشتر دولت در امور اجرایی خود بوده و زمینه را برای رشد و توسعه اقتصادی فراهم می‌کند، بالعکس مانع توسعه یافتگی کشور خواهد شد. نظر بر این شاخص اثربخشی دولت افغانستان به جز سال ۲۰۰۴ که به بلندترین میزان ۰.۸۹- افزایش یافته، در بقیه سال‌ها بین ۲.۲۳- تا ۱.۴۶- در نوسان بوده است.

اثربخشی دولت در افغانستان



شکل (۳): روند شاخص کارایی و اثر بخشی دولت؛ افغانستان در دوره زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۹

شاخص کیفیت نظارتی (بوروکراسی) در افغانستان

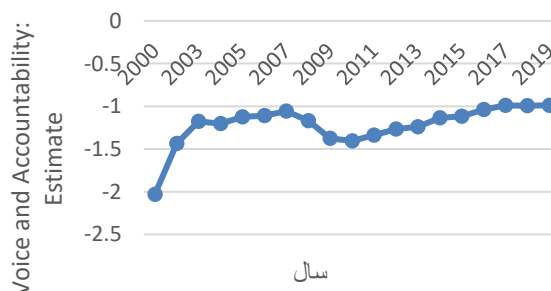
شاخص کیفیت قانون در برگیرنده مفاهیمی همچون مداخله دولت در اقتصاد، موانع تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای، مقررات دست و پا گیر، سیاست‌های رقابتی، دسترسی به بازارهای سرمایه می‌باشد. قانون به هر اندازه خوب نوشته شود، خوب نظارت شود و خوب نظارت صورت گیرد، این قوانین کشور را در راستای رشد و توسعه اقتصادی- اجتماعی سوق می‌دهد. شکل (۴) شاخص کیفیت قانون که توسط بانک جهانی برای افغانستان در دوره زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۹ محاسبه شده، روند رو به بهبود را نشان می‌دهد. اما بازم مقدار این شاخص به ادامه شاخص‌های قبلی برای افغانستان منفی است. بلندترین میزان این شاخص در سال ۲۰۱۵ با مقدار ۰.۹۹- و پایین ترین مقدار ۲.۱۰- مربوط به سال ۲۰۰۰ می‌باشد.

توسعه اقتصادی و بهبود سطح زندگی اقشار اجتماعی مردم افغانستان، کیفیت نهادها دولتی به عنصر ضروری توسعه اقتصادی باید تبدیل شود، رشد اقتصادی مستلزم استراتژی و برنامه‌ریزی توسعه پایدار اقتصادی است. این تنها در صورتی امکان پذیر است که دولت و تصمیم گیرندگان از مشروعیت و ظرفیت برخوردار باشند و کشور تحت حاکمیت قانون و امنیت باشد. دولت قوانین و ویژگی‌های را باید وضع کند که برای اطمینان از کارکرد سیستم سیاسی و اقتصادی ضروری باشد. شناسایی و ایجاد حداقل این مجموعه قوانین باید شامل گشودگی، پاسخگویی، شفافیت، اثربخشی، کارایی، مشارکت، فراگیر بودن، برابری و حاکمیت قانون باشد.

شاخص پاسخگویی و حق اظهار نظر در افغانستان

پاسخگویی یکی از ابزارهای اصلی برای ریشه کن ساختن فساد محسوب می‌شود. افزایش و تقویت مکانیسم‌های پاسخگویی از طرف نهادهای جامعه جهانی و داخلی به عنوان راهکار عملی در استراتژی‌های مبارزه با فساد مورد توجه قرار گرفته شده است. طوری که شکل (۱)، روند شاخص پاسخگویی و حق اظهار نظر در دوره ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۹ را نشان می‌دهد، این شاخص روند صعودی برای افغانستان داشته است. یعنی حق اظهار نظر و پاسخگویی در طی این دوره بهتر شده است، که کمترین مقدار این شاخص در سال‌های ۲۰۰۰، ۲۰۰۹، و ۲۰۰۳ با مقدار ۱.۴۳- و بالاترین مقدار این شاخص مربوط به سال‌های ۲۰۱۷، ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ با مقدار ۰.۹۹- بوده است.

حق اظهار نظر و پاسخگویی در افغانستان



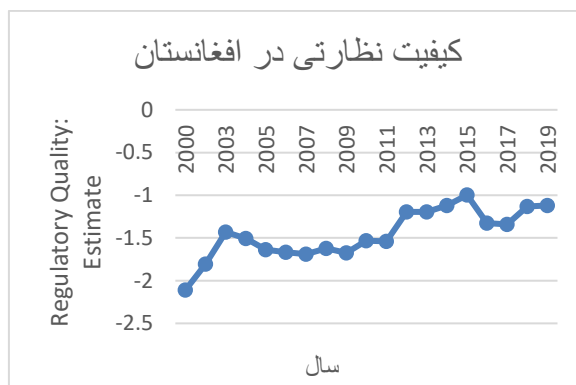
شکل (۱): روند شاخص حق اظهار نظر و پاسخگویی افغانستان در دوره زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۹

شاخص ثبات سیاسی و عدم خشونت در افغانستان

ثبات سیاسی زمانی در یک نظام حکمفرما است، که این نظام علیرغم فراز و فرودهای سیاسی شاکله‌ای اصلی خود را محفوظ داشته و دچار دگرگونی‌های بنیادین و فروپاشی نشود. طوری که شکل (۲)، نشان می‌دهد، شاخص ثبات سیاسی و عدم خشونت برای افغانستان نیز از یک روند نزولی برخوردار بوده است، که پایین ترین میزان این شاخص در ۲۰۱۸ با میزان ۲.۸۰- و بلند ترین میزان این شاخص در سال ۲۰۰۲ با مقدار ۲.۰۴- بوده است. این شاخص محاسبه شده توسط بانک جهانی برای افغانستان مشخص می‌نماید که، خشونت در دو دهه در افغانستان رو به افزایش بوده و نظام سیاسی حالت بی‌ثباتی را نشان می‌دهد. این امر منجر به کاهش رشد اقتصادی و افزایش فقر و بیکاری در کشور شده است.

شکل (۶) نشان می‌دهد که این شاخص نیز همواره منفی است، و در طی دو دهه روند بهبود را نشان نمی‌دهد. بلندترین میزان این شاخص با مقدار ۱٫۲۶- در سال ۲۰۰۲ و کمترین این شاخص با مقدار ۱٫۶۴- به سال ۲۰۰۸ بر می‌گردد.

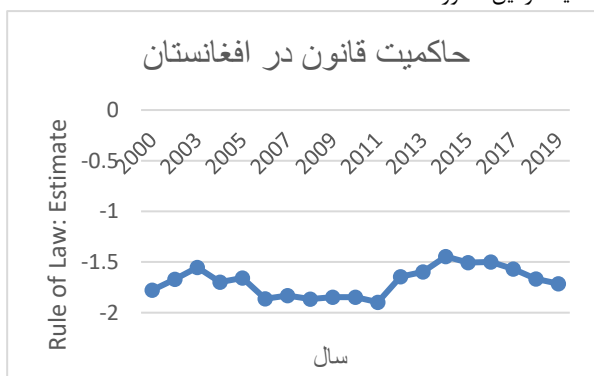
موجودیت فساد اداری در افغانستان باعث شده است، تا زمینه فضای کسب و کار را محدود نموده و از طرف دیگر اعتماد بین ملت و دولت را خدشه دار نماید که این عدم اعتماد و امنیت سرمایه‌گذار نسبت به دولت فضای فرار سرمایه داخلی را فراهم می‌سازد. موجودیت فساد باعث خواهد شد تا پروژه‌های زیربنایی به شکل جدی نظارت نشده و باعث ائتلاف منابع شود.



شکل (۴) روند شاخص کیفیت نظارتی افغانستان در دوره زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۹

شاخص حاکمیت قانون در افغانستان

امنیت اقتصادی در کشورهای عرض اندام می‌کند که دارای نظام و قوانین مستحکم و ریشه دار، نهادهای سیاسی و اقتصادی بی‌دولت و عیب و نقص، نظام قضایی و تدارکاتی برای واگذاری منظم قدرت باشند. شکل (۵) روند شاخص برآوردی حاکمیت قانون برای افغانستان را در دوره زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۹ نشان می‌دهد. که این شاخص در دوره بررسی با روند نوسان مواجه بوده است. به جز سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۴ که روند صعودی داشته، اما از ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۹ روند این شاخص نزولی یافته است، که پایین ترین میزان مقدار ۱٫۹- به سال ۲۰۱۱ و بلندترین میزان این شاخص با مقدار ۱٫۴۵- به سال ۲۰۱۴ بر می‌گردد. اما از سال ۲۰۱۴ به بعد این شاخص وضعیت خوبی را نشان نمی‌دهد. بنابراین این عدم حاکمیت قانون زمینه را برای فعالیت های غیر مولد و رانت های اقتصادی در کشور مهیا ساخته که منجر به شکل گیری اقتصاد سیاه در این کشور شده است.

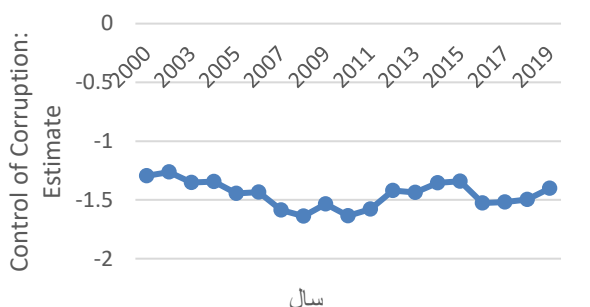


شکل (۵) روند شاخص حاکمیت قانون افغانستان در دوره زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۹

شاخص کنترل فساد در افغانستان

واژه فساد مفهوم استفاده از قدرت عمومی در جهت منافع خصوصی تلقی می‌شود. فساد مالی و اداری می‌تواند اقتصاد را از چرخش باز دارد. و سرمایه را در جهت فعالیت های پر بازده، کوتاه مدت و غیر مولد حرکت دهد، که باعث خرد شدن چرخندهای اقتصاد شده و رشد و تولید ناخالص ملی را تحت تأثیر قرار دهد. فساد در افغانستان از ابتدای حکومت انتقالی الی اکنون به عنوان یک چالش بزرگ سد راه رشد و توسعه اقتصادی در افغانستان بوده است. دو دوره حکومت حامد کرزی، یک دوره حکومت وحدت ملی و دو دوره حکومت محمد اشرف غنی نتوانسته است با این پدیده شوم مبارزه جدی نمایند. و همواره افغانستان را در صدر جدول کشورهای فاسد دنیا قرار دادند. شاخص کنترل فساد برای افغانستان در دوره زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۹ در

Control of Corruption: Estimate



شکل (۶) روند شاخص کنترل فساد افغانستان در دوره زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۹

۳- پیشینه تحقیق

۳-۱. مطالعات داخلی

شاه‌آبادی و همکاران (۱۳۹۴) مطالعه‌ای تحت عنوان تأثیر متقابل متغیرهای استاندارد اقتصادی بر فرایند رشد درآمد سرانه انجام دادند. اثر شاخص های حکمرانی و متغیرهای استاندارد اقتصادی را بر رشد درآمد سرانه ۱۲ کشور منطقه آسیا و خاورمیانه در دوره زمانی ۱۹۹۶-۲۰۱۲ با استفاده از روش پانل دیتا دومرحله‌ای برآورد نمودند. یافته‌ها نشان می‌دهند که کیفیت عمومی نهادها از کانال‌های غیر مستقیم نظیر هزینه تحقیق و توسعه، جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و درجه باز بودن اقتصاد رشد درآمد سرانه را تحت تأثیر قرار می‌دهند. بنای نهادسازی مکانیزم بازار، کاهش نا اطمینانی و ریسک سیاسی و آزادسازی تجاری اثر معنی‌داری بر رشد درآمد سرانه در کشورهای مورد مطالعه دارد.

علمی و قربانی (۱۳۹۵) به بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا با استفاده از روش داده‌های تابلویی برای دوره زمانی ۱۹۹۶-۲۰۱۲ پرداختند. نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی تأثیر مثبت و معنی‌داری بر رشد اقتصادی در کشورهای مورد مطالعه دارد. بنای باید به شرایط اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی مطلوب برای شکل‌گیری سرمایه اجتماعی برای دستیابی به رشد اقتصادی توجه صورت گیرد.

کریمی و همکاران (۱۳۹۶) ارتباط و تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی در ایران با رویکرد تصحیح خطای برداری بررسی نمود. تأثیر شش شاخص حکمرانی خوب را بر رشد اقتصادی در دوره زمانی ۱۳۶۲-۱۳۹۴ برای ایران مورد قرار داد، نتایج تحقیق نشان می‌دهد که تمام شاخص های حکمرانی خوب دارای تأثیرگذاری مثبت و معنی‌داری بر رشد اقتصادی می‌باشند. اما از میان شش شاخص کیفیت مقررات و پاسخگویی و حق اظهار نظر از بالاترین و پایین ترین اثر گذاری بر رشد اقتصادی برخوردار می‌باشند.

جاتی (۱۳۹۹) مطالعه‌ای تحت عنوان تأثیر سطوح مختلف نهادی بر رشد اقتصادی در کشورهای منطقه جنوب غرب آسیا و OECD پرداخت، و این دو گروه از کشورها بر اساس تأثیر عوامل نهادی مختلف بر رشد اقتصادی و تعیین اولویت اصلاحات نهادی در طی زمان ۲۰۰۷-۲۰۱۴ مورد مقایسه قرار داد. نتایج برآورد با روش GMM نشان می‌دهد که بهبود نهادهای خرد و کلان بر رشد اقتصادی هر دو گروه تأثیر مثبت داشته است. اما در کشورهای جنوب غرب آسیا اثرات متقابل بین نهادهای خرد و کلان معنی‌دار نبوده است.

برهانی‌پور و همکاران (۱۳۹۹) تأثیر نهادهای و بهبود مدیریت منابع طبیعی بر رشد اقتصادی را در کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا طی دوره ۱۹۹۶-۲۰۱۸ با استفاده از روش رگرسیون فضایی بررسی نمودند. نتایج برآورد مدل نشان می‌دهد که نهادهای به عنوان بهبود دهنده مدیریت منابع بر رشد اقتصادی کشورهای مورد بررسی تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد. همچنان نشان می‌دهند که تأثیر متغیرهای انباشت سرمایه فیزیکی، سرمایه انسانی، انباشت سرمایه‌گذاری خارجی و ثروت طبیعی بر رشد اقتصادی مثبت و معنی‌دار بوده و اثر مجاورت و همسایگی در خصوص تأثیر نهادهای بر رشد اقتصادی کشورهای مورد مطالعه مورد تأیید قرار گرفت.

۲-۳. مطالعات خارجی

صدیقی و احمد^۱ (۲۰۰۹) رابطه بین کیفیت نهادی و عملکرد اقتصادی در پاکستان را با استفاده از روش تلفیقی یوهانسن جوسیلیوس و آزمون علیت گرنجر بررسی نمودند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که نهادهای رشد با هم ادغام شده اند، بنابر این رابطه طولانی مدت و قابل اعتماد را نشان می‌دهند. یافته‌های آزمون علیت گرنجر نشان می‌دهد که علیت بین نهادهای رشد یک جهت می‌باشد و هیچ علیت کوتاه مدت از نهادهای رشد و بالعکس وجود ندارد.

دیز و تبدالی^۲ (۲۰۱۲) ارتباط میان سرمایه انسانی و نهادهای رشد با رشد اقتصادی در بیش از ۵۰ کشور منتخب جهان با استفاده از روش پانل دیتا و گشتاورهای تعمیم‌یافته در بازه زمانی ۱۹۶۰-۲۰۰۵ را مورد بررسی قرار دادند. نتایج برآورد آنها نشان می‌دهد که بهبود در کیفیت نهادهای انباشت سرمایه انسانی را بهبود بخشیده، نابرابری درآمدی را کاهش داده و مسیر تاریخی توسعه را جهت رسیدن تسریع می‌بخشد.

لو و همکاران^۳ (۲۰۱۳) اثر نهادهای رشد و توسعه اقتصادی در ۶۰ کشور در حال توسعه و توسعه‌یافته منتخب با استفاده از رهیافت داده‌های تابلویی و روش علیت گرنجر در دوره زمانی ۱۹۹۶-۲۰۰۸ را بررسی نمودند. در این تحقیق از شاخص‌های حکمرانی خوب و شاخص هدایت بین‌المللی ریسک کشور (ICRG) برای معرفی شاخص وضعیت نهادی در کشورها استفاده شده. برآورد علیت گرنجر نشان می‌دهد که علیت بین نهادهای و عملکرد اقتصادی در سطوح متفاوت درآمدی مختلف اند، در کشورهای با میانگین درآمد سرانه بالاتر کیفیت مطلوب تر نهادهای رشد اقتصادی را تقویت کرده و در کشورهای با میانگین درآمد سرانه پایین‌تر، رشد اقتصادی باعث بهبود کیفیت نهادهای می‌شود.

نگین و همکاران^۴ (۲۰۱۸) کیفیت نهادی و رشد اقتصادی را در ۲۹ اقتصاد نوظهور با استفاده از روش سیستم تعمیم یافته (SGMM) در دوره زمانی ۲۰۰۲-۲۰۱۵ بررسی نمودند. نتایج آنها نشان می‌دهد که کیفیت

فاتحی دابانو و همکاران (۱۳۹۶) تأثیر متقابل نهادهای و توسعه را در کشورهای خاورمیانه در دو گروه صادرکننده نفت و غیر صادر کننده نفت، با روش حداقل مربعات سه مرحله‌ای (3SLS) پانل در طی زمان ۱۹۹۶-۲۰۱۴ بررسی نمودند. یافته‌ها در هر دو گروه از کشورهای حاکی از تفاوت معنی‌داری بین تأثیر متقابل نهادهای و توسعه دارد. ضریب برآوردی تأثیر توسعه بر نهادهای بیش از ضریب برآوردی تأثیر نهادهای بر توسعه را در هر دو گروه از کشورها نشان می‌دهند. بناً تمرکز به توسعه خود به خود علاوه بر بهبود شاخص‌های آن، شرایط نهادهای را ارتقا داده و باعث بهبود عملکرد این شاخص‌ها می‌تواند شود.

مبارک و همکاران (۱۳۹۷) به مطالعه تأثیر کیفیت نهادی و سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته طی دوره زمانی ۱۹۹۵-۲۰۱۵ با استفاده از مدل رگرسیونی انتقال ملایم تابلویی (PSTR) پرداخته اند. نتایج مطالعه نشان می‌دهد که حاکمیت قانون تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی داشته است اما با شدت بیشتر در رژیم دوم. و همچنان نتایج حاکی از تأثیر مثبت متغیرهای شاخص‌های کیفیت نهادی، آزادی اقتصادی، سرمایه انسانی و سایر متغیرهای کنترلی در هر دو رژیم بر رشد اقتصادی را نشان می‌دهد. و شدت تأثیر گذاری متغیرها با تغییر رژیم در هر دو گروه از کشورهای مورد مطالعه وابسته به بهبود کیفیت نهادی بوده است.

دهمرد و احمدپور (۱۳۹۸) به بررسی اثر توسعه مالی و کیفیت نهادی بر رشد اقتصادی کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی در دوره زمانی ۲۰۰۲-۲۰۱۴ با استفاده از روش GMM داده‌های تابلویی پویا پرداختند. و از میانگین ساده وزنی شش شاخص حکمرانی خوب به عنوان شاخص‌های نهادی و برای شاخص توسعه مالی از میانگین وزنی ۱۸ متغیر که داده‌های آن از بانک جهانی استخراج شده است، در این تحقیق استفاده نمودند. نتایج نشان می‌دهد که توسعه مالی و کیفیت نهادی تأثیر مثبت و معنی‌داری بر رشد اقتصادی در کشورهای مورد بررسی دارد. اما اثر تعاملی توسعه مالی و نهادی در کشورهای توسعه یافته به دلیل ساختار مناسب نهادی موجب بهبود بهتر رشد اقتصادی می‌شود.

معمارنژاد و همکاران (۱۳۹۸) اثرات کیفیت نهادی، حقوق مالکیت و سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی را در کشورهای G7 و G8 با استفاده از روش‌های رگرسیونی انتقال ملایم داده‌های ترکیبی (PSTR) و حداقل مربعات غیر خطی (NLS) برای دوره ۱۹۹۶-۲۰۱۵ را بررسی نمود که از شاخص‌های حکمرانی خوب، شاخص‌های نهادهای حمایت کننده از حقوق مالکیت، نهادهای تضمین کننده قراردادهای و سرمایه انسانی برای اثرگذاری بر رشد اقتصادی استفاده نمودند. نتایج حاکی از تأثیر گذاری مثبت شاخص‌های کیفیت نهادی، آزادی اقتصادی، حقوق مالکیت، سرمایه انسانی و سایر متغیرهای کنترلی بر رشد اقتصادی در کشورهای مورد بررسی می‌کند.

حکمتی فرید و همکاران (۱۳۹۹) تأثیرات حکمرانی خوب را بر سلامت زنان در کشورهای با درآمد متوسط به بالا با رویکرد تعمیم‌یافته در دوره زمانی ۲۰۰۲-۲۰۱۳ بررسی نمود. حاصل تحقیق نشان می‌دهد که در کشورهای که حکمرانی در سطح بالاتری است جمعیت زنان سالم‌تر و نرخ مرگ و میر کمتر و در نتیجه کیفیت زندگی آن‌ها بالاتر می‌باشد. و همچنان سایر متغیرها نظیر درآمد سرانه حقیقی و هزینه‌های سرانه سلامت رابطه مثبت و معنی‌داری با امید به زندگی و رابطه منفی و معنی‌دار با مرگ و میر، و نرخ باروری و بیکاری رابطه منفی و معنی‌دار با امید به زندگی و رابطه مثبت و معنی‌دار با مرگ و میر زنان را نشان می‌دهند.

¹. Siddiqui and Ahmed

². Dias and Tebaldi

³. Law et al

⁴. Nguyen et al

در معادله (۱) رشد اقتصادی (Y) با نرخ تولید ناخالص داخلی واقعی (Gdpg) و نرخ رشد تولید ناخالص داخلی واقعی سرانه (Gdppcg) محاسبه می‌شود. آزادی تجارت به عنوان مقدار کل صادرات و واردات از GDP اندازه گیری شده. سرمایه گذاری مستقیم خارجی به عنوان نسبت ورودی خالص FDI از GDP اندازه‌گیری شده است.

متغیرهای کنترل (X) در این برآورد شامل نرخ رشد تشکیل سرمایه ناخالص از GDP (Capg)، لگاریتم ثابت و اختراع (Tech)، رشد جمعیت (Pop)، (برای معادله نرخ رشد تولید ناخالص داخلی به عنوان متغیر وابسته، در مورد نرخ رشد تولید ناخالص داخلی سرانه از این امر مستثنی است، زیرا متغیر وابسته پویایی را هم در تولید و هم در جمعیت منعکس کرده است)، و لگاریتم سرمایه انسانی (Humcap)؛ این متغیرها به ترتیب برای کنترل سطح توسعه اقتصادی، عامل سرمایه، تغییر فناوری، نیروی کار و سرمایه انسان استفاده می‌شوند.

$$Gdppg_{it} = \alpha_1 Gdppg_{it-1} + \beta_j X_{jit} + \delta_1 Trade_{it} + \delta_2 FDI_{it} + \delta_3 Inst_{it} + \delta_4 (Inst * Trade)_{it} + \delta_5 (Inst * FDI)_{it} + \delta_6 (Inst * Trade * FDI)_{it} + \varepsilon_{it}$$

از آنجای که به دلیل موجودیت همخطی نمی‌توان تمام متغیرهای کیفیت نهادی را در یک معادله استفاده نمود، لازم است تا معادله (۲) را به دو معادله مجزا که تفکیک پذیر هستند بسط داد؛ و تأثیر هر یکی از شاخص های کیفیت نهادی را در مدل‌های مجزا روی رشد تولید ناخالص داخلی سرانه مورد برآورد قرار داد.

(۳)

$$Gdppg_{it} = \beta_1 Gdpg_{it-1} + \alpha_1 Capg_{it} + \alpha_2 Popg_{it} + \alpha_3 Tech_{it} + \alpha_4 Humcap_{it} + \delta_5 Trade_{it} + \delta_6 FDI_{it} + \delta_7 INCC_{it} + \delta_8 INGE_{it} + \delta_9 INRQ_{it} + \delta_{10} INRL_{it} + \delta_{11} (Inst * Trade)_{it} + \delta_{12} (Inst * FDI)_{it} + \delta_{13} (Inst * Trade * FDI)_{it} + \varepsilon_{it}$$

(۴)

$$Gdppg_{it} = \beta_1 Gdpg_{it-1} + \alpha_1 Capg_{it} + \alpha_2 Tech_{it} + \alpha_3 Humcap_{it} + \delta_4 Trade_{it} + \delta_5 FDI_{it} + \delta_6 INCC_{it} + \delta_7 INGE_{it} + \delta_8 INRQ_{it} + \delta_9 INRL_{it} + \varepsilon_{it}$$

در رابطه (۳) متغیرهای INCC بیانگر متغیر نهادی کنترل فساد، INGE متغیر اثربخشی دولت، INRQ متغیر کیفیت نظارتی و INRL متغیر اجرای قانون که به عنوان متغیرهای کیفیت نهادی در این معادله هستند. و در رابطه (۴) اثر هر یک متغیرهای کیفیت نهادی را از طریق تعامل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و بازبودن تجارت روی نرخ رشد تولید ناخالص داخلی سرانه آزمون می‌نمایم، که در این رابطه INST به عنوان نماینده هر یکی از متغیرهای کیفیت نهادی بصورت تعاملی با FDI و Trade و ترکیب هر دو که در این تخمین تعامل کیفیت نهادی با بازبودن تجارت به دلیل فقدان معنی‌داری از مدل رگرسیونی حذف شده است. بنابراین اثر تعاملی کیفیت

نهادی تأثیر مثبت قابل توجه بر رشد اقتصادی داشته، اما کیفیت نهادی مانع از تأثیرات مثبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و باز بودن تجارت بر رشد اقتصادی می‌شود. بناً بهبود کیفیت نهادی رقابت ناشی از گشایش تجارت را در مناطقی که (FDI) برای بهینه سازی اثر سرریز آنها انجام می‌دهند کاهش می‌دهد.

عجم‌اوغلو (۲۰۱۸) اثر نهادها و رشد اقتصادی را در ترکیه طی دوره زمانی ۱۹۸۷-۲۰۱۶ را بررسی نمود، این مطالعه به بهبود کیفیت نهادی ترکیه در مسیر عضویت اتحادیه اروپا انتخاب شده است. نتایج مطالعه حاکی از تأثیر کیفیت قوانین و بروکراسی و همچنین مدیریت تضادهای اجتماعی و تنش‌های سیاسی بیش از سایر شاخص‌های بر رشد اقتصادی اثر گذار می‌باشند.

ابوبکر^۱ (۲۰۲۰) مطالعه‌ای کیفیت نهادی و رشد اقتصادی را در کشور نیجریه طی دوره ۱۹۷۹-۲۰۱۸، پرداخت که از دو مدل رشد اقتصادی، مدل رشد نئوکلاسیک و اجماع واشنگتن با برآوردگر حداقل مربعات معمولی (OLS) آزمون نمود؛ نتایج برآورد حاکی از پاسخ مثبت و معنی‌دار کیفیت نهادی از طریق (پول فشرده قرارداد)، بر رشد اقتصادی می‌باشد. اما شاخص حاکمیت مؤثر تأثیر مثبت و ناچیزی بر رشد اقتصادی را نشان می‌دهد. علاوه بر این کیفیت نهادی بر تأثیر متغیرهای سرمایه‌گذاری داخلی مثبت و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی منفی داشته است.

سمراسینگه^۲ (۲۰۲۰) به بررسی رابطه نهادها و توسعه اقتصادی پرداخت است. نتایج مطالعات وی نشان می‌دهد که تفاوت در نهادها رابطه مستقیم با تفاوت در توسعه اقتصادی را انعکاس می‌دهد. نهادهای سیاسی و اقتصادی بر سطح سرمایه‌گذاری در جهت سرمایه انسانی، سرمایه فیزیکی و تشکیل فناوری تأثیر می‌گذارند. نهادهای سیاسی نهادهای اقتصادی را شکل داده، و هر دو رشد و توسعه اقتصادی را تحقق می‌بخشند. روبرتو و روس^۳ (۲۰۲۰) کیفیت دولت و تاب آوری را با شواهدی از رکود بزرگ اقتصادی در اتحادیه اروپا بررسی نمودند. نتایج مطالعات آن‌ها نشان داده است که کیفیت دولت عامل مهم هنگام شکل‌گیری واکنش منطقه‌ای در برابر بحران است. و همچنین کیفیت بالاتر دولت با عملکرد بهتر بازارکار در سطح منطقه در دوران رکود بزرگ همراه می‌باشد.

۴. تصریح مدل اقتصاد سنجی و متغیرهای تحقیق

برای دسترسی به اهداف تحقیق و تعیین متغیرهای نهادی و غیر نهادی مؤثر بر رشد اقتصادی مطالعات مختلفی را مورد استفاده قرار دادیم. که از جمله این مطالعات می‌توان به مطالعات ابوبکر (۲۰۲۰)، نگین و همکاران (۲۰۱۸)، سمراسینگه (۲۰۲۰)، جانی (۱۳۹۹)، برهانی‌پور و همکاران (۱۳۹۹)، توکلی و همکاران (۱۳۹۹)، شاه‌آبادی و احمدآبادی (۱۳۹۱) و ندیری و محمدی (۱۳۹۰) اشاره نمود. این مطالعات شاخص‌های مدنظر گرفته اند که در این مطالعات با درنظر داشت داده‌های آماری تعدیل شده اند. بنابراین مدل اقتصاد سنجی در این تحقیق قرار ذیل رگرسیون می‌شود.

(۱)

$$Y_{it} = \alpha_1 Y_{it-1} + \beta_j X_{jit} + \delta_1 Trade_{it} + \delta_2 FDI_{it} + \delta_3 Inst_{it} + \delta_4 (Inst * Trade)_{it} + \delta_5 (Inst * FDI)_{it} + \delta_6 (Inst * Trade * FDI)_{it} + \varepsilon_{it}$$

2. Abubakar

3. Samrahasingah

4. Roberto and Rows

های ایجاد شده، ترکیب خطی از متغیرهای ورودی می‌باشند، نبود همبستگی بین این مولفه‌ها یک ویژگی مفید بوده به این معنی که مولفه‌ها نمایان سازنده جنبه‌های متفاوتی از پارامترهای اصلی اند (مانلی، ۱۹۸۶).

آزمون‌های ریشه واحد مدل اقتصاد سنجی

به منظور پایایی متغیرهای تحقیق از آزمون‌های ریشه واحد پانلی همچون آزمون لوین، لین و چو (LLC)، آزمون ریشه واحد پانل ایم، پسران و شین (IPS) و آزمون ریشه واحد پانلی فیشر - دیکی فولر (ADF) استفاده می‌کنند.

طوری که در جدول زیر مشخص است؛ بر اساس سه آزمون، و برای هر دو گروه از کشورهای مورد مطالعه متغیرها به جزء متغیرهای کیفیت نهادی در سطح مانا هستند؛ اما متغیرهای کیفیت نهادی در سطح اول مانا شده‌اند. طوری که فرضیه صفر مبتنی بر وجود ریشه واحد در تمام متغیرهای تحقیق در سطح و سطح اول رد می‌شوند. به طور مثال برای متغیر نرخ رشد تولید ناخالص سرانه، آماره آزمون لوین، لین و چو برای کشورهای دارای کیفیت نهادی قوی $-2,97886$ و سطح احتمال این آماره $0,000$ است، از جهت اینکه سطح احتمال کمتر از $0,05$ است می‌توان نتیجه گرفت که فرضیه مقابل صفر مبنی بر عدم وجود ریشه واحد تأیید شده از این رو متغیر در سطح پایا می‌باشد. آماره‌های مربوط به آزمون لوین، لین و چو برای متغیرهای وقفه رشد تولید ناخالص سرانه، نرخ تشکیل سرمایه، ثبت و اختراع، رشد نفوس، بازبودن تجارت و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای دارای کیفیت نهادی قوی به استثنای سرمایه انسانی در سطح مانا هستند؛ اما متغیرهای کیفیت نهادی نظیر کنترل فساد، اثربخشی دولت، کیفیت نظارتی و اجرای قوانین و مقررات در این گروه از کشورها در سطح اول مانا شده‌اند. همچنین آماره آزمون ایم، پسران و شین و آزمون فیشر برای تمام متغیرهای تحقیق به استثنای ثبت و اختراع و سرمایه انسانی در این گروه کشورها در سطح و سطح اول مانا می‌باشند.

در کشورهای دارای کیفیت نهادی ضعیف آماره‌های مربوط به آزمون لوین، لین و چو، برای تمام متغیرهای تحقیق از قبیل وقفه رشد سرانه، تشکیل سرمایه، رشد نفوس، ثبت و اختراع، سرمایه انسانی، بازبودن تجارت و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در سطح معنادار بوده و نشان دهنده پایایی متغیرها است. اما متغیرهای مربوط به کیفیت نهادی در این گروه از کشورها از نظر همه آزمون‌ها در سطح اول مانا می‌باشند. همان‌طور که در جدول ذیل مشاهده می‌کنید:

جدول (۲) نتایج آزمون‌های ریشه واحد متغیرهای تحقیق

متغیرها	آزمون‌های ریشه واحد پانلی		آماره (سطح معنی‌داری)
	کیفیت نهادی خوب	کیفیت نهادی ضعیف	
نرخ رشد GDP سرانه GDPPG	آزمون لوین، لین و چو (LLC)	-2.97886 0.0014	-5.87864 0.0000
	آزمون ایم، پسران و شین (IPS)	-2.40237 0.0081	-4.09965 0.0000
	آزمون فیشر - دیکی فولر (ADF)	26.4276 0.0125	76.5045 0.0000
نرخ تشکیل سرمایه ناخالص داخلی Capg	آزمون لوین، لین و چو (LLC)	-3.58375 0.0002	-2.69569 0.0035
	آزمون ایم، پسران و شین (IPS)	-2.25263 0.0121	-2.40282 0.0081
ثبت و اختراع Tech	آزمون لوین، لین و چو (LLC)	26.2645 0.0240	0.0311 103.501
	آزمون ایم، پسران و شین (IPS)	-2.70641 0.0034	-6.06621 0.0000
		-0.77479 0.2192	-2.73071 0.0032

نهادی با ترکیب از FDI و بازبودن تجارت مورد استفاده قرار گرفته شده است.

جدول (۱) معرفی متغیرهای تحقیق

اسم متغیرها	نماد متغیرها	تعریف متغیرها	منابع متغیرها
رشد درآمد سرانه	GDPPg	رشد واقعی تولید ناخالص داخلی سرانه	IMF-2021
تشکیل سرمایه	Capg	نرخ رشد تشکیل سرمایه ناخالص	WDI-2021
ثبت و اختراع	Tech	لگاریتم مجموعه برنامه‌های ثبت و اختراع	WIPO-2021
رشد نفوس	Popg	نرخ رشد جمعیت کشور	WDI-2021
سرمایه انسانی	Humcap	شاخص توسعه انسانی	HDI-2020
بازبودن تجارت	Trade	لگاریتم درصد صادرات و واردات از GDP	WDI-2021
سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی	FDI	درصد ورودی خالص از GDP	WDI-2021
کنترل فساد	Concor	برآورد کنترل فساد	WGI-2020
اثر بخشی دولت	Goveff	برآورد اثر بخشی دولت	WGI-2020
ثبات سیاسی	Politic	تخمین ثبات سیاسی و عدم خشونت	WGI-2020
کیفیت نظارتی	Requa	تخمین کیفیت نظارتی قوانین	WGI-2020
حاکمیت قانون	Rulelaw	ارزیابی حاکمیت قانون	WGI-2020
پاسخگویی و حق اظهارنظر	Vice	برآورد حق اظهارنظر و پاسخگویی	WGI-2020

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج برآورد مدل اقتصاد سنجی

شاخص‌های که از طرف بانک جهانی به عنوان شاخص‌های کیفیت نهادی معرفی شده‌اند، شامل شش شاخص می‌باشند که بنا بر دلایل احتمال بالا رفتن همخطی بین متغیرهای مستقل و وجود همبستگی بیشتر بین متغیرهای مستقل؛ از آوردن همه این متغیرها در یک معادله بایستی اجتناب نمایم (لو و همکاران^۱، ۲۰۰۳). از این جهت برای آزمون فرضیه‌های فوق ابتدا توسط آزمون مولفه‌های اصلی^۲ (PCA) از میان شش شاخص کیفیت نهادی به انتخاب چهار شاخص کیفیت نهادی که بیشترین ارزش را بر متغیر وابسته دارد، می‌پردازیم و سپس اثر هر یکی از شاخص‌های کیفیت نهادی را در یک رابطه روی رشد اقتصادی برای دو گروه از کشورهای عضو منا دارای کیفیت نهادی قوی و کشورهای عضو منا دارای کیفیت نهادی ضعیف برآورد می‌نمایم. تحلیل مولفه‌های اصلی از روش‌های آماری چند متغیره بوده که می‌توان از آن برای کاهش تعداد متغیرها و تفسیر بهینه اطلاعات استفاده نمود. (کامدیون و همکاران^۲، ۲۰۰۵). با انجام این روش متغیرهای ورودی اولیه به مولفه‌های جدید بدون همبستگی تبدیل می‌شوند، به گونه‌ای که مولفه

1. Lu and et all

2. Principal Component Analysis

جایگزین بررسی شده است. نتایج نشان می‌دهد که متغیرهای رشد سرانه تولید ناخالص داخلی با وقفه اول، تشکیل سرمایه، ثبت و اختراع در هر دو گروه از کشورها دارای اثرات مثبت و معنی‌دار است، اما این اثرات در کشورهای دارای کیفیت نهادی قوی نسبت به کشورهای دارای کیفیت نهادی ضعیف بیشتر بوده است. سرمایه انسانی در گروه کشورهای دارای کیفیت نهادی قوی دارای تأثیرات مثبت و معنی‌دار می‌باشد که نشان دهنده سازگار با مطالعات قبلی و مبانی نظری است. اما در کشورهای دارای کیفیت نهادی ضعیف سرمایه انسانی از نظر آماری معنی‌دار اما دارای تأثیر منفی را بر رشد تولید ناخالص داخلی سرانه نشان می‌دهد. با توجه به سطح پایین سرمایه انسانی در کشورهای نهادی ضعیف منتخب منا، امکان انتقال تکنولوژی توسط سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی وجود نداشته است، که این امر سبب خواهد شد مانع در برابر افزایش بهره‌وری و بهره‌مندی از سرریزهای تکنولوژی شود. به گونه‌ای که عامل بازدارنده‌ی در برابر رشد اقتصادی در این کشورها شده است. از طرف دیگر در این کشورها وجود فساد در سطوح مختلف موجب شده تا مانع در برابر تقسیم کار قرار گیرد. و این عدم تقسیم کار و دخالت‌های سیاسی در انتصاب افراد و اشخاص موجب می‌شود بهره‌وری نیروی کار کاهش یابد؛ از طرف دیگر در این کشورها پایین بودن سطح بهداشت سبب کاهش بهره‌وری می‌شود. از نظر آماری سرمایه انسانی تأثیر معنی‌داری در این کشورها دارد و با نتایج مطالعات و مبانی نظری در الگوهای رشد سازگاری را نشان می‌دهد. متغیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اثر مثبت و معنی‌داری را در کشورهای دارای کیفیت نهادی ضعیف نشان می‌دهد، اما در کشورهای دارای نهادهای قوی این عامل اثر مثبت را بر رشد تولید ناخالص داخلی سرانه نشان می‌دهد اما از نظر آماری قابل توجه نیست. متغیر بازبودن تجارت در گروه کشورهای نهادی ضعیف و کیفیت نهادی قوی دارای اثر معنی‌دار اما ضریب آن به استثنای مدل حاکمیت قانون در کشورهای نهادی ضعیف منفی است.

متغیرهای کیفیت نهادی مورد نظر در جدول (۳) عبارت‌اند از کنترل فساد، اثر بخشی حکومت، کیفیت نظارتی و حاکمیت قانون که به دلیل جلوگیری از همخطی از یکجا آوردن همه این متغیرها در مدل اجتناب نموده و در چهار مدل تخمین زدیم. که نتایج برآورد این ضرایب برای دو گروه از کشورهای با کیفیت نهادی قوی و کشورهای با کیفیت نهادی ضعیف در جدول (۳) نشان داده شده است. نتایج نشان می‌دهد که در کشورهای منتخب دارای کیفیت نهادی ضعیف متغیرهای کیفیت نهادی اثر معنی‌داری بر رشد تولید ناخالص داخلی سرانه داشته است. و دارای ضرایب مثبت می‌باشند. که شاخص کیفیت نهادی اثر بخشی حکومت در سطح ۹۵ درصد و شاخص کیفیت نهادی کنترل فساد، کیفیت نظارتی و حاکمیت قانون در سطح ۹۰ درصد معنی‌دار هستند. در کشورهای دارای کیفیت نهادی قوی متغیرهای کیفیت نهادی اثر معنی‌دار به استثنای اثر بخشی حکومت بر رشد تولید ناخالص داخلی سرانه داشته و دارای ضرایب مثبت می‌باشد. که در این کشورها متغیرهای کیفیت نهادی حاکمیت قانون و کیفیت نظارتی در سطح ۹۵٪ و شاخص کنترل فساد در سطح ۹۰٪ معنی‌داری بوده است؛ شاخص اثر بخشی حکومت در کشورهای نهادی قوی معنی‌داری را نشان نمی‌دهد. شاخص کیفیت نهادی نشان می‌دهد که از نظر آماری در کشورهای دارای کیفیت نهادی قوی و از نظر ضرایب در کشورهای کیفیت نهادی ضعیف اثر بیشتری بر رشد تولید ناخالص داخلی سرانه داشته‌اند. همچنان نتایج آزمون سارگان برای هر دو گروه از کشورهای منتخب منطقه منا دارای کیفیت نهادی قوی و کیفیت نهادی ضعیف در چهار مدل نشان دهنده تأیید

58.7104 0.0053	20.8998 0.1042	آزمون فیشر- دیکي فیلر(ADF)	
-2.04671 0.0203	-0.24474 0.0033	آزمون لین، لین و چو(LLC)	سرمایه انسانی Humcap
-0.14963 0.4405	1.09047 0.8622	آزمون لین، پسران و شین(IPS)	
30.9898 0.6159	10.5984 0.7173	آزمون فیشر- دیکي فیلر(ADF)	
-1.87420 0.0305	-1.98065 0.0238	آزمون لین، لین و چو(LLC)	بازبودن تجارت Trade
-1.28665 0.0991	-0.90317 0.1832	آزمون لین، پسران و شین(IPS)	
47.9557 0.0567	23.0304 0.0598	آزمون فیشر- دیکي فیلر(ADF)	
-6.92009 0.0000	-3.83101 0.0001	آزمون لین، لین و چو(LLC)	سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی FDI
-4.57913 0.0000	-3.09405 0.0010	آزمون لین، پسران و شین(IPS)	
84.5677 0.0000	34.6015 0.0017	آزمون فیشر- دیکي فیلر(ADF)	
-3.41023 0.0003	-0.86089 0.1946	آزمون لین، لین و چو(LLC)	کنترل فساد D(Concor)
-4.34674 0.0000	-1.86414 0.0312	آزمون لین، پسران و شین(IPS)	
75.8597 0.0000	24.7368 0.0373	آزمون فیشر- دیکي فیلر(ADF)	
-3.89958 0.0000	-5.13281 0.0000	آزمون لین، لین و چو(LLC)	اثر بخشی حکومت D(Goveff)
-4.85585 0.0000	-3.53453 0.0002	آزمون لین، پسران و شین(IPS)	
82.7530 0.0000	37.5021 0.0006	آزمون فیشر- دیکي فیلر(ADF)	
-3.58983 0.0002	-3.42797 0.0003	آزمون لین، لین و چو(LLC)	کیفیت نظارتی و مقررات D(Requa)
-4.81549 0.0000	-2.67225 0.0038	آزمون لین، پسران و شین(IPS)	
83.3010 0.0000	31.7619 0.0043	آزمون فیشر- دیکي فیلر(ADF)	
-6.96657 0.0000	-2.50590 0.0061	آزمون لین، لین و چو(LLC)	حاکمیت قانون D(Rulelaw)
-7.12706 0.0000	-3.41843 0.0003	آزمون لین، پسران و شین(IPS)	
114.067 0.0000	37.2424 0.0007	آزمون فیشر- دیکي فیلر(ADF)	

نتایج و آماره‌های مربوط به آزمون لوین، لین و چو، ایم پسران و شین و آزمون فیشر - دیکي فولر تعمیم یافته؛ برای متغیرهای نرخ رشد سرانه، نرخ تشکیل سرمایه، ثبت و اختراع، رشد نفوس، سرمایه انسانی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، بازبودن تجارت، کنترل فساد، اثر بخشی دولت، کیفیت نظارتی و اجرای قوانین و مقررات نشان دهنده این است که سطح احتمال مربوط به این متغیرها در هر دو گروه از کشورهای منتخب منا دارای کیفیت نهادی قوی و کیفیت نهادی ضعیف، به استثنای سرمایه انسانی در کشورهای با کیفیت نهادی قوی کمتر از ۰.۰۵٪ است. از این جهت می‌توان ادعا نمود که همه متغیرهای موجود بر اساس آزمون‌های انجام شده در سطح و سطح اول پایا است و بعید از رگرسیون کاذب می‌باشد.

جدول (۳) نتایج برآورد اثر کیفیت نهادی بر رشد تولید ناخالص داخلی سرانه

متغیرها	کشورهای دارای کیفیت نهادی ضعیف			کشورهای دارای کیفیت نهادی قوی		
	کنترل فساد	اثر بخشی حکومت	کیفیت نظارتی	حاکمیت قانون	کنترل فساد	اثر بخشی حکومت
وقفه رشد GDP سرانه	3.285298	3.068863	3.345962	3.181284	4.029793	4.664052
نرخ تشکیل سرمایه	0.0616678	0.0466123	0.0632533	0.0508214	0.0957267	0.0727328
ثبت و اختراع	3.448662	1.607209	4.711206	0.0343265	3.86779	8.297407
سرمایه انسانی	-7.261321	-9.489693	-6.084967	-2.783876	18.27467	2.297818
سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی	2.392099	3.107227	2.94399	1.471002	0.0018644	-0.004182
بازبودن تجارت	-6.76012	-4.463051	-7.674754	1.704563	0.0771863	-1.211581
کیفیت نهادی	2.633805	3.79149	3.15616	2.154308	1.937902	2.928305
آزمون سارگان	0.4509	0.3722	0.2809	0.7165	0.3309	0.4081

فرضیه صفر است؛ فرضیه صفر در این آزمون نشان دهنده ابزارهای مناسب می‌شد.

در جدول (۳) بر اساس چهار متغیر کیفیت نهادی برای هر دو گروه از کشورهای در چهار مدل برای هر گروه از کشورهای برآورد شده است. در مدل اول شاخص کنترل فساد به عنوان شاخص نهادی در هر دو گروه از کشورهای دارای اثر مثبت و معنی‌داری است که ضریب و سطح معنی‌داری این متغیر برای کشورهای نهادی قوی دارای ضریب ۱،۹۵۷ و سطح معنی‌داری ۹۰ درصد، برای کشورهای نهادی ضعیف دارای ضریب ۲،۶۳۳ و سطح معنی‌داری ۹۵ درصد می‌باشد. یعنی یک درصد افزایش در کنترل فساد رشد اقتصادی را به اندازه ۱،۹۵۷ برای کشورهای قوی و به اندازه ۲،۶۳۳ برای کشورهای ضعیف افزایش می‌دهد. در مدل دوم اثربخشی دولت در هر دو گروه از کشورهای دارای اثر مثبت و معنی‌داری است که در کشورهای نهادی قوی دارای ضریب ۱،۴۷۹ و در سطح معنی‌دار قرار ندارد. اما در کشورهای نهادی ضعیف ضریب این متغیر ۳،۷۹۱ و در سطح ۹۹ درصد معنی‌دار می‌باشد. که اثر بخشی بیشتر را بر رشد اقتصادی نهادی ضعیف دارد. در مدل سوم متغیر کیفیت نظارتی قوانین در کشورهای نهادی قوی دارای ضریب ۲،۸۴۱ و سطح ۹۵ درصد معنی‌داری؛ اما در کشورهای نهادی ضعیف ضریب این متغیر ۳،۱۵۶ و در سطح ۹۰ درصد معنی‌دار می‌باشد. یعنی یک درصد افزایش در کیفیت نظارتی رشد اقتصادی را به اندازه ۲،۸۴۱ در کشورهای نهادی قوی و به اندازه ۳،۱۵۶ در کشورهای نهادی ضعیف افزایش می‌دهد. در مدل چهارم متغیر کیفیت نهادی، حاکمیت قانون است که در کشورهای نهادی قوی دارای ضریب ۲،۹۲۸ و سطح معنی‌داری ۹۰ درصد می‌باشد که یک درصد افزایش در ضریب ۲،۱۵۴ و سطح معنی‌داری ۹۰ درصد می‌باشد که یک درصد افزایش در حاکمیت قانون باعث افزایش رشد اقتصادی به اندازه ضرایب این متغیرها خواهد شد.

در قسمت متغیرهای بازبودن اقتصاد که عبارت اند از؛ بازبودن تجارت و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌باشد که در چهار مدل تخمین زده شده است. این متغیرها در مدل اول برای کشورهای نهادی قوی دارای اثر مثبت و بی‌معنی است. اما در کشورهای نهادی ضعیف متغیر FDI دارای ضریب ۰،۲۳۹ و سطح ۹۰ درصد، اما بازبودن تجارت دارای ضریب ۰،۶۷۶- و سطح ۹۰ درصد می‌باشد. که یک درصد افزایش در بازبودن تجارت باعث کاهش رشد اقتصادی به اندازه ۰،۶۷۶- و یک درصد افزایش در FDI باعث افزایش رشد اقتصادی به اندازه ۰،۲۳۹ در کشورهای دارای نهادی ضعیف در مدل اول می‌شود. به همین ترتیب در مدل‌های دوم تا چهارم می‌توان تفسیر را انجام داد. برای متغیرهای کنترلی؛ از قبیل نرخ تشکیل سرمایه در مدل اول برای کشورهای دارای کیفیت نهادی قوی که در سطح ۹۹ درصد معنی‌دار است دارای ضریب ۰،۰۹۵۷ و برای کشورهای نهادی ضعیف دارای ضریب ۰،۰۶۱۶ می‌باشد که یک درصد افزایش در نرخ تشکیل سرمایه رشد اقتصادی را به اندازه ۰،۰۹۵۷ در کشورهای نهادی قوی و به اندازه ۰،۰۶۱۶ در کشورهای نهادی ضعیف افزایش در مدل اول افزایش می‌دهد. همچنین متغیر ثبت و اختراع در هر دو گروه از کشورها در چهار مدل به عنوان متغیر کنترلی در راستای متغیرهای کیفیت نهادی وارد شده است. به ترتیب آن متغیر سرمایه انسانی در مدل اول برای کشورهای نهادی قوی دارای ضریب ۱۸،۲۷۴ در سطح ۹۵ درصد معنی‌دار اما برای کشورهای نهادی ضعیف دارای ضریب ۷،۲۶۱۳- و در سطح ۹۰ درصد معنی‌دار می‌باشد، به این معنی که یک درصد افزایش در سرمایه انسانی در کشورهای نهادی قوی رشد اقتصادی را به اندازه ۱۸،۲۷۴ درصد افزایش می‌دهد، اما بر عکس در کشورهای نهادی ضعیف یک

جدول (۴) نتایج برآورد اثر تعاملی کیفیت نهادی بر GDP

منبع: نتایج برآورد Stata15

متغیرها	کشورهای دارای کیفیت نهادی ضعیف			کشورهای دارای کیفیت نهادی قوی		
	کنترل فساد	اثربخشی دولت	حاکمیت قانون	کنترل فساد	اثربخشی دولت	حاکمیت قانون
رشد اقتصادی	2243602	-2756905	-2701723	-2913841	4017796	-4126006
سرانه	0.000	0.000	0.000	0.000	0.000	0.000
نرخ تشکیل سرمایه	0490442	0577174	0546916	0558441	0582551	0619761
سرانه انسانی	-5.885189	-3.301352	-3.483309	-6.913769	9.943647	12.31369
سرانه دولتی	0.064	0.096	0.057	0.094	0.001	0.001
سرانه مالی	2330475	2755834	2792136	2655758	0603423	0822175
مستقیم خارجی	3.268667	2.228619	2.357213	6.402936	2.17172	2.913965
کیفیت نهادی	0.018	0.067	0.036	0.313	0.005	0.001
اثر کنترل کیفیت نهادی و FDI	-3146809	4149893	3951001	-4817752	-0539237	-0637181
اثر کنترل کیفیت نهادی، بازنویس FDI و تجارت	-1192147	-1095373	-1165045	-1092445	-0000533	-0002495
آزمون سارگان	0.4030	0.6606	0.6112	0.2811	0.2438	0.1553

جدول (۴) اثر تعاملات کیفیت نهادی را با سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و بازبودن تجارت بر رشد تولید ناخالص داخلی سرانه در هر دو گروه کشورهای منتخب منطقه منا دارای کیفیت نهادی قوی و کیفیت نهادی ضعیف را نشان می‌دهد. در این برآورد تعاملات کیفیت نهادی و بازبودن تجارت به دلایل عدم معنی‌داری و همخطی بیشتر از مدل نهایی حذف شده است. نتایج برآورد جدول (۴) به ادامه تفسیر نتایج جدول (۳) نشان می‌دهد که از میان متغیرهای مدنظر در معادله نهایی این تحقیق برای کشورهای با کیفیت نهادی ضعیف متغیرهای وقفه اول نرخ رشد سرانه اقتصادی، نرخ رشد تشکیل سرمایه، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، متغیرهای کیفیت نهادی و اثر تعامل کیفیت نهادی با سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در هر چهار مدل اثر مثبت و معنی‌داری بر نرخ رشد تولید ناخالص داخلی سرانه در کشورهای منتخب منا با کیفیت نهادی ضعیف داشته است، این در حالی است که متغیرهای سرمایه انسانی و اثر تعاملات کیفیت نهادی با سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و بازبودن تجارت برای این گروه از کشورها اثر منفی و معنی‌داری داشته است. سرمایه انسانی در کشورهای نهادی ضعیف اثر منفی بر نرخ رشد تولید ناخالص داخلی سرانه را نشان می‌دهد، چون در این تحقیق از متغیر سرمایه انسانی که ترکیبی از سه شاخص (بهداشت، تغذیه و آموزش) استفاده شده است. بنا براین سرمایه انسانی در این گروه از کشورها نسبت به گروه با نهادهای قوی از سطح کمتری برخوردار بوده است، از طرف دیگر در این گروه از کشورها ساختار نهادی ضعیف برای انباشت در سرمایه انسانی توسط مؤلفه های آموزش، بهداشت و تغذیه سبب خواهد شد تا کارایی و اثر بخشی نیروی انسانی کاهش یابد.

نتایج برآورد مدل نهایی تحقیق همچنان در جدول (۴) برای کشورهای منتخب منا با کیفیت نهادی قوی نشان می‌دهد که متغیرهای وقفه اول نرخ رشد تولید ناخالص داخلی سرانه، نرخ تشکیل سرمایه، سرمایه انسانی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و شاخص های کیفیت نهادی نظیر کنترل فساد، اثر بخشی دولت، کیفیت نظارتی و حاکمیت قانون اثر مثبت و معنی‌داری بر نرخ رشد تولید ناخالص داخلی داشته است. این در حالی می‌باشد که سرمایه انسانی بر خلاف کشورهای با کیفیت نهادی ضعیف اثر مثبت بر نرخ رشد سرانه در کشورهای کیفیت نهادی قوی را نشان می‌دهد. و همچنین بر خلاف کشورهای کیفیت نهادی ضعیف؛ در کشورهای با کیفیت نهادی قوی اثر تعامل کیفیت نهادی با سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و اثر

ضرایب برای هر دو گروه از کشورهای مورد مطالعه کمتر از ۰.۰۵٪ بوده، و اثرات این متغیرها در گروه کشورهای قوی بیشتر از گروه کشورهای ضعیف می‌باشد. همچنان نتایج مربوط به متغیرهای وقفه رشد سرانه، تشکیل سرمایه، ثبت و اختراع و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اثر معنی‌داری را بر رشد تولید ناخالص داخلی سرانه در هر دو گروه از کشورهای مورد مطالعه نشان می‌دهد. متغیر سرمایه‌انسانی بر رشد سرانه کشورهای نهادی قوی اثر مثبت و معنی‌دار اما بر رشد سرانه کشورهای نهادی ضعیف دارای منفی و معنی‌دار بوده که دلیل آن پایین بودن سطح سرمایه‌انسانی در کشورهای دارای کیفیت نهادی، عدم تقسیم کار و محدودیت‌های مهارتی نیروی کار در این کشورها دانست.

نتایج مربوط به اثرات تعامل کیفیت نهادی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نشان می‌دهد که این تعاملات در کشورهای دارای کیفیت نهادی ضعیف اثر مثبت و معنی‌داری بر رشد تولید ناخالص داخلی سرانه داشته است، و نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که اثر رشد سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای با کیفیت نهادی پایین قوی‌تر است، این نتیجه بحث بر انگیز را می‌توان توضیح داد که FDI می‌تواند انگیزه بیشتری برای بهبود نهادها در کشورهای با صلاحیت نهادی پایین ایجاد کند که به نوبه خود از رشد اقتصادی حمایت مثبت می‌کند. اما در کشورهای دارای کیفیت نهادی قوی این تعاملات اثر معنی‌دار و منفی بر رشد تولید ناخالص داخلی سرانه نشان می‌دهد که این کیفیت نهادی مانع از تأثیرات مثبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌شود. علاوه بر این می‌توان استدلال نمود که کیفیت نهادی بهتر نیز با کاهش سرمایه‌گذاری خارجی در صنایع پیشگام و کاهش رقابت با شرکت‌های داخلی، از اثرات گسترده سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌کاهد و این یافته‌ها با نتایج مطالعه نگین و همکاران (۲۰۱۸) مطابقت دارد. همچنان اثر تعاملات کیفیت نهادی با بازبودن تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای دارای کیفیت نهادی ضعیف دارای اثر معنی‌دار و منفی و در کشورهای دارای کیفیت نهادی بهتر اثر بی‌معنی و منفی بر رشد تولید ناخالص داخلی سرانه را نشان می‌دهد. در حالی که حالیکه تجارت و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تأثیرات مثبت پیش‌بینی شده بر رشد اقتصادی را نشان می‌دهند، تعاملات بین کیفیت نهادی و بازبودن تجارت و FDI ضرایب قابل توجهی دارند. بناً این نتایج نشان می‌دهد که بهبود کیفیت نهادی تأثیر مثبت کمتری بر رشد اقتصادی در صورت باز کردن حساب تجاری خواهد داشت، به این دلیل که افزایش بازبودن تجارت در بازارهای این کشورها رقابت شرکت‌های خارجی را به همراه دارد و بهبود کیفیت نهادی باعث تقویت بیشتر رقابت شده که در کوتاه مدت منجر به کندی عملکرد اقتصادی در کشورهای مورد مطالعه شده است، و این یافته‌ها با نتایج کشورهای آفریقایی مطابقت دارد. ضریب منفی رابطه کیفیت نهادی، بازبودن تجارت و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نشان می‌دهد که بهبود کیفیت نهادی می‌تواند رقابت ناشی از گشایش تجارت را در مناطقی که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جهت بهینه‌سازی اثر سرریز خود انجام می‌دهد افزایش دهد. به طوری که شرکت‌های خارجی در هنگام بهبود کیفیت نهادی، مزایای بیشتری در رقابت با شرکت‌های داخلی دارند، بناً در کوتاه مدت اثر منفی بر رشد تولید سرانه در این کشورها داشته است که با مطالعه کشورهای نوظهور از طرف نگین و همکاران (۲۰۱۸) مغایرت دارد.

تعامل کیفیت نهادی با بازبودن تجارت و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اثر منفی و معنی‌داری را بر نرخ رشد تولید ناخالص داخلی سرانه نشان داده است. شاخص‌های کیفیت نهادی در هر گروه از کشورهای منتخب منا که بر رشد تولید ناخالص داخلی سرانه بررسی شده است عبارت از شاخص کنترل فساد، شاخص اثربخشی حکومت، شاخص کیفیت نظارتی و شاخص حاکمیت قانون که نتایج ما در این بررسی نشان می‌دهد که کیفیت نهادی در هر دو گروه از کشورها اثر مثبت و معنی‌داری بر نرخ رشد تولید ناخالص داخلی سرانه داشته است، اما این اثرات در گروه کشورهای دارای کیفیت نهادی ضعیف در متغیر کنترل فساد بیشتر است نسبت به گروه نهادی قوی، اثر بخشی حکومت، کیفیت نظارتی و حاکمیت قانون اثر بیشتر را در کشورهای کیفیت نهادی قوی نسبت بر کشورهای نهادی ضعیف بر رشد اقتصادی داشته است. آزمون سارگان در جدول (۴) برای هر دو گروه از کشورهای منا با کیفیت نهادی قوی و ضعیف در هر یکی از مدل‌های برآوردی نشان می‌دهد که متغیرهای ایزاری استفاده شده در مدل مناسب بوده است.

در جدول (۳) تفسیر متغیرهای نهادی و کنترلی را به وجه احسن تذکر دادیم در این قسمت با استفاده از خروجی برآورد مدل در جدول (۴) اثر تعاملی کیفیت نهادی را با متغیرهای بازبودن اقتصاد ذکر کردیم. که در این جا اثر تعامل کیفیت نهادی و بازبودن تجارت از مدل‌ها بنابر دلیل عدم معنی‌داری حذف در هر دو گروه از کشورها حذف شده است، اما اثر تعامل کیفیت نهادی و FDI در مدل اول برای کشورها نهادی قوی دارای ضریب ۰.۰۵۳۹- در سطح معنی‌داری ۹۵ درصد و برای کشورهای نهادی ضعیف دارای ضریب ۰.۳۱۴۶ در سطح معنی‌داری ۹۰ درصد می‌باشد. که یک درصد افزایش در اثر تعامل کنترل فساد با FDI منجر به کاهش رشد اقتصادی به اندازه ۰.۰۵۳۹- در کشورهای نهادی قوی و افزایش رشد اقتصادی به اندازه ۰.۳۱۴۶ در کشورهای نهادی ضعیف می‌شود. دلیل آن این است که افزایش در شاخص‌های حکمرانی باعث می‌شود رقابت ناشی از ورود FDI در کشورهای نهادی قوی افزایش پیدا کند و در نتیجه ورود FDI رشد اقتصادی را در این گروه از کشورها کاهش دهد. همچنین برای مدل‌های دوم، سوم و چهارم می‌توان چنین استدلال را انجام داد. همچنین برای اثر تعاملی کیفیت نهادی و بازبودن اقتصاد (بازبودن تجارت و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی) برای هر دو گروه از کشورها می‌توان چنین تفاسیر را انجام داد؛ این اثر برای کشورهای دارای نهادی قوی دارای اثر منفی و بی‌معنی بوده است در هر چهار مدل، اما برای کشورهای نهادی ضعیف دارای اثر منفی و معنی‌دار می‌باشد.

۴- نتیجه‌گیری

نتایج بدست آمده از این مطالعه مربوط به آزمون‌های ریشه واحد لوین و چو، ایم پسران و شین و فیشر-دیکو فولر برای متغیرهای نرخ رشد تولید ناخالص داخلی سرانه، نرخ تشکیل سرمایه، ثبت و اختراع، سرمایه‌انسانی، بازبودن تجارت، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، کنترل فساد، اثربخشی حکومت، کیفیت نظارتی و حاکمیت قانون حاکی از این است که سطح احتمال مربوط به این متغیرها هم در کشورهای دارای کیفیت نهادی قوی و کشورهای دارای کیفیت نهادی ضعیف کمتر از ۰.۰۵٪ می‌باشد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که تمام متغیرهای موجود در سطح پایا بوده و عدم نگرانی از بابت وجود رگرسیون کاذب و وجود دارد. نتایج مربوط به برآورد مدل‌های تحقیق حاکی از آن است که در هر دو گروه از کشورهای منطقه منا؛ متغیرهای که نمایندگی از کیفیت نهادی می‌نمایند، اثر معنی‌دار و مثبتی بر رشد تولید ناخالص داخلی سرانه دارند، و سطح احتمال مربوط به این

مراجع

منابع فارسی

۲۰. منجذب، محمدرضا و نصرتی، رضا (۱۳۹۷). مدل‌های اقتصادسنجی پیشرفته؛ انتشارات موسسه کتاب مهربان نشر.
۲۱. میدری، احمد؛ خیرخواهان، جعفر (۱۳۸۳). حکمرانی خوب بنیان توسعه، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتری بررسی‌های اقتصادی.
۲۲. مهران، ویدا (۱۳۹۲). اقتصاد افغانستان در تصرف زورمندان؛ دیدبان شفافیت افغانستان، کابل، افغانستان. www.iwaweb.org
۲۳. محمدیان، راضیه (۱۳۹۷). موانع توسعه اقتصادی در افغانستان؛ فصلنامه علمی، فرهنگی، اجتماعی آریانا، سال اول، شماره ۱، بهار ۱۳۹۷.
۲۴. میدری، احمد (۱۳۸۵). مقدمه‌ای بر نظریه حکمرانی خوب؛ فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ۶، شماره ۲۲، ۱۳۸۵.
۲۵. نورث، داگلاس (۱۳۸۴). درک فرایند تغییر اقتصادی، فصلنامه علمی-تخصصی تکاپو، ترجمه علی نصیری اقدام، شماره‌های ۱۱ و ۱۲، ص ۱۷۱.
۲۶. Afghanistan National Development Strategy (An Interim Strategy for Security, Governance, Economic Growth & Poverty Reduction), (2005).
۲۷. Azizi, Rohullah. (2010). The Economy of Afghanistan (An overview of oppor-tunities and risks of doing business in Afghanistan) <http://ssrn.com/abstract=1660760>.
۲۸. Acemoglu, D. & Garcia-jimeno, C. & Robinson, J.A. (2013). State capacity and development: A Network Approach. NBER, Working Paper No.
۲۹. Acemoglu, D. Simon, J., Robinson, J. A. & Yunyong, T. (2012). Institutional causes, macroeconomic symptoms: Volatility, crises and growth, CEPR, Discussion Paper No. 3575.
۳۰. Acemoglu, D. & Robinson, J. (2012). Why nations fail: Origins of power, prosperity and poverty : <http://www.levine.sscnet.ucla.edu/general/aandrreview.pdf>
۳۱. Bahman, Said Nasim (2016). Good Governance in Afghanistan: Challenges and Solutoin. Balkh University, Afghanistan.
۳۲. Sule, Abubakar. (2020). Institutional Quality and Economic Growth: Evidence from Nigeria. *African Journal of Economic Review, Volume VIII, Issue I, January 2020(p 47-64)*.
۳۳. Feddereke, Johannes and Klitgrad, (1998) Robert, "Economic Growth and social Indicators: an exploratory analysis" the university of Chicago, 755-756.
۳۴. Fishstein, Paul & Edries Amiryar, Murtaza (2015). Afghan Economic Policy, Institutions, and Society Since 2001. Special Report, United States Institute of Peace. <http://www.jstor.com/stable/resrep12149>.
۳۵. Faramarz, Abdulwahid, Afghanistan Transparency Watch Report, February 2011.
۳۶. [John F. Sopko \(2018\). Private Sector Development and Economic Growth. Lessons from the U.S. Experience in Afghanistan. Reports SIGAR. April 2018.](http://www.sigar.gov.af)
۳۷. Jennifer Murtazashvili (2017) Informal Order and the State in Afghanistan. See discussions, stats, and author profiles for this publication at: <https://www.researchgate.net/publication/318097726>.
۳۸. Lazarus Z. Wanjun and Pierre Rioux (2017). Economic institutions and economic growth: Empirical evidence from the Economic Community of West African States: South African Journal of Economic and Management Sciences.
۳۹. Mohmand, Abdul-Qayum (2012), the prospects for Development in Afghanistan.: OCCASIONAL PAPER, NO. 14, JUNE 2012.
۱. اسلامی، روح اله و یوسف‌زهی، ناصر (۱۳۹۷). استراتژی‌های کارآمدسازی اقتصاد سیاسی منطقه‌ای افغانستان و ایران بر مبنای تحلیل سیستمی نقش بندر چابهار؛ فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست گذاری عمومی، دوره ۸، شماره ۲۸، پاییز ۱۳۹۷.
۲. ایوبی، شبیراحمد (۱۴۰۲). کیفیت نهادی و رشد اقتصادی در افغانستان؛ انتشارات هورین، تهران/ ایران.
۳. استفندیاری، مرضیه و غلامی، رامین (۱۳۹۷). نهادها و رشد اقتصادی کشورهای عضو اوپک؛ پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه سیستان و بلوچستان.
۴. اشرف‌زاده، سیدحمیدرضا؛ مهرگان، نادر (۱۳۹۳). اقتصاد سنجی پانل دیتای پیشرفته، نشر نورعلم، تهران- ایران.
۵. اکسیر، تبسم و همکاران، سروی مردم افغانستان در سال ۲۰۱۷، بنیاد آسیا، مرکز تحقیقات اجتماعی - اقتصادی و نظریات عامه- کابل- افغانستان.
۶. بشیری، محمدشیر (۱۳۹۸). مشکل بیکاری در افغانستان و راه حل آن؛ گنجینه کاردان، سال اول، شماره ۳، بهار ۱۳۹۸.
۷. بانک انکشاف آسیایی (۲۰۱۷). افغانستان طی سال‌های ۲۰۱۷ الی ۲۰۲۱ دسیایی به انکشاف جامع در یک وضعیت شکننده و ناسازگار، استراتژی مشارکتی کشور، اکتوبر، سال ۲۰۱۷.
۸. برهانی‌پور و همکاران؛ (۱۳۹۹). تأثیر نهادها و منابع طبیعی بر رشد اقتصادی کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا (رهیافت الگوهای فضایی در داده‌های تابلیوی)، فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی، سال هشتم، شماره ۳۱ پاییز ۱۳۹۹.
۹. برادران شرکاء، حمیدرضا؛ ملک الساداتی، سعید (۱۳۸۷). تأثیر حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب؛ علوم سیاسی، نشریه راهبرد، زمستان ۱۳۸۷- <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/907092>
۱۰. پیراسته، مریم سادات (۱۳۹۶). حکمرانی خوب و حمایت از حقوق بشر؛ مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، دوره ۳، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۶، صفحات ۱۹۹-۲۰۷.
۱۱. تفضلی، فریدون (۱۳۷۵). تاریخ عقاید اقتصادی، نشر نی، تهران، ایران.
۱۲. توکلی، غلام رضا؛ بابایی، سحر؛ سجادی، علیرضا (۱۳۹۹). تبیین و تحلیل شاخص‌های حکمرانی خوب در ودجا؛ نشریه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی؛ شماره ۸۷، بهار ۱۳۹۹. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1696604>
۱۳. جانی، سیاوش (۱۳۹۹). بررسی تأثیر سطوح مختلف نهادی بر رشد اقتصادی در کشورهای منطقه جنوب غرب آسیا و OECD فصلنامه اقتصاد مقداری، دوره ۱۹، شماره ۱، بهار ۱۳۹۹. 10.22055/jqe.2019.25189.1835.
۱۴. دهمرده، نظر و کچو علی احمدپور (۱۳۹۸). اثر توسعه مالی و کیفیت نهادی بر رشد اقتصادی؛ پژوهش‌های اقتصاد و توسعه منطقه‌ای سال ۲۶، دوره جدید شماره ۱۷، بهار ۱۳۹۸.
۱۵. دورباش، معصومه و حیدریان، مریم (۱۳۹۶). بررسی نقش و اثرات حکمرانی خوب در رشد اقتصادی ایران؛ همایش بین‌المللی برنامه ریزی اقتصادی، توسعه پایدار و متوازن منطقه‌ای، دانشگاه کردستان، ۱۳۹۶.
۱۶. سینائی، وحید و یوسف‌زهی، ناصر (۱۳۹۸). سنجش وضعیت توسعه اقتصادی افغانستان در عصر دموکراسی؛ مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۱۲، شماره ۲، زمستان ۱۳۹۸.
۱۷. شاه‌بادی، ابوالفضل و بهاری، زهره (۱۳۹۲). تأثیر ثبات سیاسی و آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب توسعه‌یافته و در حال توسعه؛ فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، سال ۴، شماره ۱۶، پاییز ۱۳۹۲.
۱۸. طباطبایی نسب، زهره و همکاران (۱۳۹۷). آثار کیفیت نهادی و فشار بازار ارز بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی؛ مطالعه بین کشوری؛ فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، شماره ۴، دوره ۶، زمستان ۱۳۹۷.
۱۹. غفاری، مسعود؛ ایگدر، افسانه (۱۳۹۶). دولت توسعه‌گرا؛ بیش نیاز تحقیق حکمرانی خوب؛ نشریه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، شماره ۳۷، زمستان ۱۳۹۶. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/134482>

- 2001, US Institute of Peace
<http://www.jstor.com/stable/resrep12149>
44. Tharanga, Samarasinghe. (2020) The relationship between institutions and economic development: See discussions, stats, and author profiles for this publication at: <https://www.researchgate.net/publication/338396621>
45. The Fund for Peace 2019, *Fragile State Index 2015*, The Fund for Peace, Washington D.C. .
<https://fundforpeace.org/2019/04/10/fragile-states-index-2019/>.
46. World Bank. (2004). Adjustment lending. Washington, DC: World Bank
40. Murtazashvili, Jennifer (2016). Informal Order and the State in Afghanistan. Cambridge University, <https://www.researchgate.net/publication/318097726>
41. North, D.C. (1990). Institutions, institutional change and economic performance. Cambridge University Press, Cambridge.
42. Omar Joya (2012). Macroeconomic instability in Afghanistan: Causes and Solutions. University of Bordeaux. <https://mpira.ub.uni-muenchen.de/37658/>.
43. Paul Fishstein and Murtaza Edries Amiryar (2015). Afghan Economic Policy, Institutions, and Society Since